

## حکمرانی حکمی علوی

آقای دکتر عبدالحسین خسرو پناه<sup>۱</sup>

بحث حکمرانی علوی، نشست حکیمانه و عالمانه‌ای است و خیلی جای کار اساسی و جدی دارد. خداوند هم توفیق داد ما در ۴۹ جلسه مباحث حکمت و فقاہت حکمرانی را بحث کردیم و امروز تکمیلی آن مباحث را در این همایش ارزشمند خدمت شما ارائه می‌دهیم.

همان طور که در اسلاید مشاهده می‌کنید، ما تعریف حکمرانی حکمی را پیشنهاد دادیم. خود حکمرانی، یعنی هدایت‌گری کلی جامعه از طریق سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری که به خدمات عمومی منتهی می‌شود و مقصود از تنظیم‌گری، مقررات و چارچوب‌سازی و ارزیابی مقررات است. بنابراین حکمرانی حکمی، نوعی هدایت‌گری حکیمانه جامعه که مبتنی بر مبانی و اصول حکمی و اسلامی جهت تأمین مقاصد حکمت و شریعت. همانطور که در نمودار می‌بینید، حکمرانی حکمی در وسط این نمودار آمده است که از سیاست‌گذاری شروع می‌شود، به تنظیم‌گری می‌رسد و بعد خدمات عمومی، مبتنی بر مبانی حکمرانی است و اصول حکمرانی.

مبانی حکمرانی شامل هستی‌شناسی توحیدی، معرفت‌شناسی حکمی، انسان‌شناسی فطری، ارزش‌شناسی عقلی و شرعی، دین‌شناسی اسلامی، علم‌شناسی حکمی و اجتهاد است.

اصول حکمرانی حکمی هم ۳ دسته است: اصول ارکان حکمرانی، اصول ساختار حکمرانی و اصول حکمرانان که در این اسلاید آمده است. اصول ارکان حکمرانی، اصل شبکه‌ای فرد و جامعه و تاریخ، آزادی برای عدالت، تعامل حق و تکلیف، تعامل حقیقت و مصلحت یا تقدم ابر مهم، احکام ناظر بر مفساد حکمت و شریعت، اصل میسور، اصل تسهیل‌گری، عزت ملی، استقلال و نفی سبیل، حفظ نظام، مالکیت کوثری. یک اصل دیگری ما در جلسات پیش از قلم افتاد و در مورد آن بحث نکردیم، خانواده محوری

---

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

است یعنی در سیاست گذاری و تنظیم گری و خدمات عمومی حتما باید به اصل خانواده محوری توجه کنیم.

خداوند سبحان در آیه ۲۱ سوره روم می فرماید: "و من آیاته أن خلق لکم من انفسکم ازوجاً لستکونوا الیها و جعل بینکم مودةً و رحمةً ان فی ذلك لایت لقوم ینفکرون" و آیه ۳۲ سوره نور که می فرماید: "و أنکحوا الایمی منکم والصلحین من عبادکم و امانکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم" و روایات متعددی که از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) آمده است: "اذا تزوج الرجل احرز نصف دینه"<sup>۱</sup> و "من ترک التزویج مخافة الفقر فقد اساء الظن بالله - عز و جل -؛ ان الله - عز و جل - یقول: ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله."<sup>۲</sup>

روایات متعدد دیگری هم وجود دارد؛ "اکثر اهل النار العزاب"<sup>۳</sup> و "یُفتح ابواب السماء بالرحمة فی اربع مواضع: عند نزول المطر، و عند نظر الولد فی وجه الوالدین، عند فتح باب الکعبة و عند النکاح"<sup>۴</sup> و روایات دیگر که اصل خانواده، یعنی اصالت با مرد یا زن یا فرزند است؛ اصالت با خانواده است با اصل خانواده محوری باید سیاست گذاری و تنظیم گری و خدمات عمومی انجام داده شود. در گستره ای از حکمرانی، باید خانواده لحاظ شود.

اصول ساختار حکمرانی را همانطور که گفتیم اصل دولت الهی، شبکه سازی و جبهه سازی که در دولت ولایی هم توضیح دادیم که ولایت داری در دل مردم داری نهفته است. این شواهد خیلی دقیق که جناب آقای دکتر دوانی مطرح کردند کاملاً از سیره امیرالمومنین (ع) مردم داری به دست می آید که خدمت شما عرض خواهیم کرد؛ این در متن معنایی دارد، بعضی دوستان خیال می کنند ولایت مداری یعنی تبعیت از ولی و احراز از مردم ولی نه خیر. اصلاً تبعیت از ولی یعنی ولی ای که رکن مردم داری را دارد؛ دقت کردید

<sup>۱</sup> پیامبر اکرم (ص)

<sup>۲</sup> امام صادق (ع)

<sup>۳</sup> پیامبر اکرم (ص)

<sup>۴</sup> پیامبر اکرم (ص)

دیگه در همین برخورد اخیر مقام معظم رهبری نسبت به خوزستان فرمودند: گلایه از مردم خوزستان نیست. این همان نگاه مردم داری است که در دل ولایت مداری است.

اصول حکمرانان هم که اصل خودسازی، اصول ساخت و راهکاری دولت ولایی، شبکه سازی و جبهه سازی است؛ یعنی اعضای مردم چه عموم مردم، چه نخبگان باید به شبکه و جبهه تبدیل شوند. اصول حکمرانان هم از خودسازی بینشی-منشی، اصل مشاورت، اصل مشارکت، اخوت و برادری اجتماعی، جهاد و مقاومت یا مدیریت جهادی، واقع بینی آرمان گرایانه، شایسته سالاری، مسئولیت پذیری، امانت داری، شفافیت و آسان گویی.

این مبانی و اصول در سیاست گذاری، تنظیم گری و خدمات عمومی (که همان حکمرانی است) تاثیر دارند؛ نتیجه و اهداف آن مقاصد حکمت و مقاصد شریعت می شود که مقاصد حکمت عقلانیت، معنویت و عدالت است و مقاصد شریعت که حفظ عقل و دم و نفس و مال و آبرو است که جمع اینها عقل مداری، دین گرایی، انسان خواهی و عدالت سازی؛ یعنی اهداف حکمرانی حکمی که به دو دسته مقاصد حکمت و شریعت تقسیم می شوند، جمع آنها عقل مداری، دین گرایی، انسان خواهی و عدالت سازی می شود. حالا بعد از این گزارشی که از ۴۹ جلسه ما خدمت عزیزان داشتیم، به محضر امیرالمومنین (ع) برویم ببینیم حکمرانی حکمی علوی چگونه بوده است. کل فرمایشات امیرالمومنین (ع) بیانگر حکمرانی حکمی علوی است، مخصوصا نهج البلاغه امیرالمومنین (ع).

البته فرمایشات امیرالمومنین (ع) منحصر به نهج البلاغه نیست، سخنان امیرالمومنین (ع) خیلی فراتر از نهج البلاغه است، منتها چون نهج البلاغه در دسترس همگان است و به ویژه بخش نامه های امیرالمومنین (ع) که حضرت به تفصیل در این ۷۹ نامه به مباحث حکمرانی پرداخته است و منشور حکمرانی نامه ۵۳ نهج البلاغه است که امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر (رضوان الله علیه) دادند و خیلی جالب است یک هزینه ابن ابی الحدید در ذیل خطبه کوتاه نامه ۶۸ از ابراهیم ثقفی دارد که مولف الغارات است؛ که ایشان نقل می کند که وقتی محمد ابی بکر را حضرت با نامه ای به مصر فرستاد، عمر و عاص بر او مسلط شد و او را شهید کرد. تمام نامه های محمد ابی بکر را هم گرفت و برای معاویه فرستاد؛ و معاویه پیوسته به آن نگاه می کرد و شگفت زده بود تا اینکه ولید بن عقبه که برادر مادری عثمان است، و این آیه

"ان جاءكم فاسقون بنياً فتبينوا"<sup>۱</sup> در شان او نازل شده است، نزد معاویه حضور داشت وقتی دید معاویه خیلی شگفت زده در حال نگاه کردن به این نامه است، به معاویه گفت: دستور بده این احادیث علی را بسوزانند. معاویه به او گفت: تو چقدر اشتباه می کنی. ولید گفت: یعنی این کار تو صحیح است که مردم بدانند احادیث ابوتراب پیش تو است و تو از آنها درس می آموزی؟ معاویه گفت: وای بر تو. به من می گویی دانشی مثل این را بسوزانم. به خدا سوگند مطالب علمی جامع تر و استوار تر از این تاکنون نشنیده ام.

خب این مطلب را ابن ابی الحدید در جلد ششم در شرح نهج البلاغه نقل می کند، سپس در ادامه می گوید این نامه ای که معاویه پیوسته به آن نگاه می کرد و تعجب می کرد، عهدنامه امیرالمومنین (ع) با مالک اشتر بود یعنی همین نامه ۵۳ نهج البلاغه. می گوید نامه محمد ابی بکر عمدتاً بحث های اخلاقی است اما ابن ابی الحدید می گوید نامه مالک اشتر مربوط به آداب، قضایا، احکام و سیاست بود لذا وقتی مالک اشتر را مسموم هم کردند قبل از اینکه به مصر برسد به شهادت رسید. ایادی معاویه آمدند و این نامه را بردند و در اختیار معاویه قرار دادند و معاویه خیلی شگفت زده بود. این نامه را ظاهراً در صندوقچه ای که داشته نگهداری می کرده تا به زمان عمر بن عبد العزیز می رسد که این نامه را افشا می کند لذا اگر این اتفاق نمی افتاد ما از نامه ۵۳ نهج البلاغه محروم بودیم و خداوند لطف کرد و این نامه در اختیار نسل های بعدی قرار گرفت.

جرج سمعان جرداق که نویسنده کتاب الامام علی صوت الهدایت الانسانیه است، ایشان می گوید خیلی بعید است که کسی در این عهدنامه مالک اشتر که اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد، افتراقی ببیند اما مواضع حقوق بشر را قبلاً امیرالمومنین (ع) بیان کرده است. به این اشاره ای نمی کنیم که اعلامیه جهانی حقوق بشر بر مبانی او مانیسیم است ولی عهدنامه مالک اشتر بر اساس توحید است. یعنی نگاه به حقوق انسان هم در ذیل توحید محوری معنا پیدا می کند.

بنابراین، به عنوان کار آغازین چون اگر بخواهیم کار مفصلی انجام بدهیم، باید همه فرمایشات امیرالمومنین (ع) را ببینیم. به عنوان یک کار آغازین ارزش دارد که نامه امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر

<sup>۱</sup> سوره حجرات - آیه ۶

را با آن اصول حکمرانی و اهداف حکمرانی با مبانی حکمرانی حکمی که توضیح دادیم، ببینیم چه افتراق و نسبتی دارد.

مجموعه عهدنامه امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر که مفصل است و خدا مرحوم علامه جعفری را رحمت کند در یک شرح مفصل تفصیلی به این نامه پرداخته است. استاد ما، حضرت آیت الله مکارم شیرازی، هم در پیام امام امیرالمومنین (ع) که یک شرح جامع بر نهج البلاغه است در جلد ۱۳ و ۱۴ (آخر جلد و ابتدای جلد ۱۴) این نامه ۵۳ را شرح داده است و می فرماید که در این نامه، ۵۰ نکته نهفته است. این ۵۰ نکته را یکی یکی نام می بریم و اشاره می کنیم و اصولی را که قبلاً بحث کردیم یا مقاصدی را که عرض کردیم نشان بدهیم که هر کدام از این نکته ها ناظر به کدام مبنا یا مقصد حکمرانی حکمی است.

۱- اولین نکته که در بخش اول نامه امام است، هدف اصلی اعزام مالک اشتر را به مصر در ۴ چیز خلاصه می کند: رسیدگی کامل به جمع آوری خراج، بیکار با دشمنان این سرزمین، اصلاح اهل آن و عمران و آبادی این سرزمین. یعنی همان خدمات عمومی. دقت کنید آغاز نامه این است: "بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما امر به عبدالله علي اميرالمومنين، مالك بن الحارث الاشتر في عهده اليه حين ولاة مصر، جبایة خراجها، و جهاد عدوها، واستصلاح اهلها و عمارة بلادها." همان خدمات عمومی که هدف سیاست گذاری و تنظیم گری است. اما با چه رویکرد و مقصدی؟ اینها را بعداً توضیح می دهیم.

۲- دومین نکته، تاکید بر رعایت تقوا پیش از هر چیز و اهمیت نقش آن در زندگی انسان. که همان انسان سازی را می رساند که یکی از اهداف است.

۳- مبارزه با هوای نفس. این دو مورد مربوط به اصل خود سازی است و تقدم خود سازی بر جامعه پردازی. رکن جامعه پردازی، خانواده سازی و خانواده محوری و مسئله جمعیت است. اگر خانواده آسیب ببیند، جمعیت آسیب می بیند؛ و اگر جمعیت آسیب ببیند، خانواده آسیب می بیند. ولی مقدم بر همه اینها خود سازی است.

۴- آگاه کردن مالک از موقعیت محل مأموریت خود. این مورد مربوط به واقع بینی آرمان گرایانه است. یعنی حضرت به آرمان ها توجه دارد ولی می گوید واقع بین باشید. مالک بدان در حال رفتن به مصر هستی که چنین اقتضائاتی دارد. پس موقعیت محل را انسان حتماً باید بداند.

۵- توصیه به ذخیره عمل صالح و اجتناب از بخل. این مورد هم مربوط به خودسازی است. جالب است، بنده وقتی این نامه را یک استقسائی کردم، مشاهده کردم که حضرت بیشترین وزن را در این نامه به اصل خودسازی اختصاص دادند در نتیجه اهمیت آن مشخص می شود. بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری را اگر نگاه کرده باشید، نظریه نظام انقلابی را می فرماید ۳ تا رکن است؛ خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی؛ که خودسازی نظری و عملی (بینشی و منشی) را بر جامعه پردازی و تمدن سازی مقدم می دارد. یعنی جامعه ای که می خواهد دنبال عدالت باشد، دنبال تمدن باشد، به دنبال پیشرفت باشد اگر کارگزاران آن جامعه خودسازی نداشته باشند، جامعه به سمت هلاکت و انحطاط می رود.

۶- تلاش و کوشش برای جلب رضایت رعایا و توده های مردم. این مورد هم مربوط به مردم داری است که در اصل دولت ولایی نهفته است. حالا خوب است که به صورت مستقل به مردم داری پردازیم. لازمه دولت ولایی، مردم داری است. لذا جمهوریت و اسلامیت، دو چهره و دو رویه یک حقیقت هستند؛ نه اینکه بعضی اصول گراها که از اسلامیت دم می زنند اما به مردم اعتنا نمی کنند یا اصلاح طلبانی که دم از مردم می زنند ولی به اسلامیت اعتنایی نمی کنند. کسی که دم از مردم بزند و به اسلامیت اعتنا نکند، قطعاً به مردم هم توجهی نمی کند. نتیجه می شود مثل اوضاع خوزستان که از بی توجهی نسبت به مردم به این روز افتاده است. کسی هم که دم از اسلام بزند و مردم دار نباشد، اعتنایی به جمهوریت و رای مردم و رضایت توده مردم نداشته باشد، اسلامیت او ناقص است؛ لذا حضرت می فرماید تلاش و کوشش برای جلب رضایت رعایا و توده های مردم.

۷- نهی از سرکشی در برابر فرمان های الهی. همان تکالیف الهی که عرض کردیم یکی از اصول احکام الهی بود البته با توجه به مقاصد شریعت و حکمت.

۸- راه مبارزه با کبر و غرور ناشی از مقام. این مورد هم به خودسازی اشاره دارد. هر بلایی سر مومن می آید، بخاطر همین کبر و غرور است؛ مخصوصاً وقتی مقامی، منصبی پیدا می کند دیگر خودش را فراموش می کند. کبر همان آفت و ردیلتی است که شیطانی که هزاران سال خدا را عبادت کرد را زمین زد. باید با غرور مبارزه کرد.

۹- رعایت عدل و انصاف در هر حال و پرهیز از هرگونه ظلم و ستم که سبب تغییر نعمت‌ها می‌شود. این مورد به عدالت‌سازی اشاره دارد که در مقاصد بیان شد. اگر عدل و انصاف در هر حال رعایت نشود، اگر از ظلم و ستم پرهیز نشود، در این نامه امیرالمومنین (ع) می‌فرماید که باعث تغییر نعمت‌ها می‌شود. عزیزان چرا بعضی دولت‌های ما در همین چهل و چند ساله انقلاب دولتمردان ما به عدالت، انصاف و خدمت‌گذاری به مردم توجه داشتند، خداوند نعمت را برای آنها نازل می‌کند اما وقتی فاصله می‌گیرند خداوند نعمت را از آنها دریغ می‌کند.

۱۰- محبوب‌ترین امور باید اموری باشند که رضایت عمومی مردم را جلب کنند نه خواص. این مورد هم به مردم‌داری اشاره دارد. ما در جامعه می‌بینیم گاهی اوقات سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری برای خواص است. قوانینی را در مجلس وضع می‌کنند که برای رضایت خواص است. مثلاً فلان قشری که درآمد کلان دارند، از مالیات معاف شوند اما مثلاً از آن پفک فروش مالیات می‌گیرند. به نظر من اولین اصلی که امیرالمومنین (ع) در این نامه به آن تاکید دارد خود‌سازی و دومین اصل مردم‌داری است، توجه به رضایت عامه مردم. بعضی از بچه حزب‌اللهی‌ها می‌گویند حالا اگر در این جلب رضایت عمومی مردم، مردم بی‌دین شدند چه؟ عجباً! خیلی زود چنین موضعی می‌گیرند. شما رضایت عمومی مردم را جلب کنید، مردم بیش از من و شما تقید به دین دارند، بیش از من و شما تقید به حفظ این نظام و مملکت دارند اما باید رضایت داشته باشند. وقتی آب به آنها نرسد، وقتی کل زندگی آنها یک گاومیش است و جلوی چشم او این سرمایه در حال از بین رفتن است، پس باید رضایت عامه مردم را جلب کرد.

۱۱- برحذر بودن از وسوسه‌های عیب‌جویان و سخن‌چینان و تلاش برای عیب‌پوشی مردم. بعضی عیب‌جویان وسوسه می‌کنند، سخن‌چین هستند، باید از اینها برحذر باشی و تلاش برای عیب‌پوشی مردم. مردم یک عیب یا اشکالی دارند، این را نبینید، بزرگ نکنید، امنیتی نکنید، برخورد نکنید. این مورد هم به مردم‌داری و هم به شایسته‌سالاری اشاره دارد. یعنی انسان‌هایی که اهل سخن‌چینی و عیب‌جویی هستند و وسوسه می‌کنند، از اینها دوری کن و نگذار وارد سیستم تو شوند.

۱۲- لزوم مشورت در کارها و برحذر بودن از مشورت با افراد بخیل و ترسو و دنیاپرست. این مورد به اصل مشورت که قبلا عرض کردیم، اشاره دارد.

۱۳- کنار گذاشتن سردم داران حکومت های گذشته پیشین و به عکس ارتباط با اهل ورع صداقت و ایمان. این مورد به شایسته سالاری اشاره دارد. در حکومت های ستم گر یک عده همیشه قدرت را در دست دارند که فساد و ضرر و زیان محرز دارند، به اینکه جلوی این افراد را بگیرند اینها را به قدرت می رسانند. با اهل ورع و صداقت ارتباط داشته باشید این می شود شایسته سالاری.

۱۴- تشویق نیکوکاران و سرزنش و کیفر بدکاران. اینها مباحث اخلاقی و انسان خواهی است و به اصل انسان خواهی اشاره دارد.

۱۵- جلب حسن ظن مردم از طریق احسان و نیکی و سبک کردن بار هزینه ها. در این مورد به مردم داری، خدمات عمومی و تسهیل گری اشاره دارد. ای حاکمان باید تلاش کنید مردم نسبت به شما حسن ظن پیدا کنند؛ نه سوء ظن. واقعا شما ببینید الان مردم با چه یاس و ناامیدی و سوء ظنی نسبت به حکومت هستند. حتی انسان های درستکار هم که می آیند و خودشان را وقف مردم می کنند، مردم به این سادگی اعتماد نمی کنند. جلب حسن ظن مردم، از چه طریق؟ از طریق احسان، نیکی و سبک کردن بار هزینه های مردم؛ نه تصمیم هایی که فقط بار هزینه های مردم را زیاد می کند. بار برق، بار آب، بار کود (در کشاورزی). این مردم میبندند. مثل اینکه حضرت امام علی (ع) برای امروز ما این فرمایشات را فرمودند. خدا معاویه را لعنت کند که به هر حال همین یک کار خوب را انجام داد که نامه امیرالمومنین (ع) را در صندوقچه خودش حفظ کرد و این نامه به دست ما رسید.

۱۶- احترام به آداب و رسوم نیک پیشین. گذشتگان یک آداب خوبی داشتند، احترام بگذار. اصل انسان خواهی است.

۱۷- تداوم نشست و مشورت با علما و خردمندان. به اصل مشورت اشاره دارد.

۱۸- تقسیم رعایا به گروه های مختلف و رسیدگی به هر کدام طبق نیازها و موقعیت ها. این مورد به اصل خدمات عمومی میپردازد و هم به اصل تعامل حقیقت و مصلحت و تقدم اهم بر مهم. به



هر حال وقتی شما رعایا را دسته بندی کردید و نیازها و موقعیت هایش را دیدید، بعضی اهم هستند، بعضی مهم هستند لذا در بند ۱۹ می فرماید :

۱۹- نهایت تاکید بر رعایت حال قشر محروم. یک عده محروم هستند نان شب ندارند بخورند، خب نمی شود نسبت به او بی تفاوت بود. می گوید ان شاء الله ما این برنامه توسعه را بنویسیم؛ بابا این دارد از گرسنگی می میرد. این از فقر نابود می شود. پول ندارد داروی خودش را بگیرد، پول ندارد برای بیمار بزرگسال خودش پوشک تهیه کند. حضرت بر رعایت حال قشر محروم تاکید می کند، اینها اهم هستند.

۲۰- ویژگی های فرماندهان نظامی و افسران لشکر چون به ترتیب این نامه جلو می رویم، این مورد به شایسته سالاری اشاره دارد. فرماندهان نظامی چه ویژگی هایی داشته باشند، افسران نظامی چه ویژگی هایی داشته باشند.

۲۱- توجه خاص به سوابق اشخاص و خاندان های خوش نام و صالح. این مورد هم به شایسته سالاری است.

۲۲- ویژگی های فرماندهان ارشد. این هم شایسته سالاری است. هم خودشان چه ویژگی هایی داشته باشند، هم سوابق آنها چیست، خاندان آنها کیست، خاندان آن خوش نام است، صالح است. در گذشته بعضی قبایل به بدنامی، به نفاق، دروغگویی و دورویی شهرت داشتند.

۲۳- تاکید بر اصل عدالت که مایه روشنی چشم زمام داران است. این مورد به عدالت سازی اشاره دارد. به عدالت گری تنها اشاره ندارد، بعضی اوقات افراد عدالت باور هستند، بعضی عدالت گرا هستند یعنی گرایش منشی آنها به عدالت است و بعضی عدالت ساز هستند یعنی عدالت را در جامعه جاری می کنند. عدالت باوری لازم است، عدالت گرایی هم لازم است اما مردم باید عدالت سازی را ببینند. حالا ما هرچه در مورد عدالت منبر برویم، سخنرانی کنیم، تاکید کنیم اما وقتی عدالت جریان پیدا نکند. با گفتن عدالت که عدالت ساخته نمی شود.

۲۴- ستایش کارهای خوب نیکوکاران تا برای همگان انگیزه ای در کار نیک گردد. این هم همان انسان خواهی است. اگر دیدید کاری خوب است، نیک است، ستایش کنید، مدح کنید. این گروه این کار را کرد، گروه جهادی این کار را کرد، این جمع این خدمت را کرد. بعضی از جوانان ما

در مسابقات ورزشی پیروز می شوند، خب خیلی خوب است، پیام ها، تشویق ها خب این خیلی خوب است. اما دانشجویانی هم داریم در دانشگاه ها، حوزه ها نظریه پردازی می کنند، تولیداتی دارند مثل همین واکنسی که ساختند؛ باید کار اینها ستایش شود.

۲۵- سنجش ارزش کار هر کس بدون توجه به موقعیت اجتماعی او. این مورد هم نوعی داوری عادلانه است. گاهی اوقات یک فرد مسئول یک کار خوبی انجام می دهد، کلی تبریک دریافت می کند. اما یک آدم معمولی که کار خوبی انجام می دهد، هیچکس از او تلاش و تشکری ندارد. حالا این فرد مسئول آیت الله است، رئیس است و موقعیت اجتماعی دارد، در هر صورت کار خوب را باید ستایش کرد.

۲۶- مراجعه به کتاب سنت در حل مشکلات و استنباط احکام. همان بحث مبانی و معرفت شناختی حکمی که غیر از عقل، از وحی، از کتاب سنت هم باید استفاده کنید.

۲۷- شرایط قضا و صفات لازم در آنها. این هم شایسته سالاری است. حضرت هم به صفات فرماندهان نظامی، هم به صفات قضا اشاره دارد که این صفات را داشته باشند، این ساختار را داشته باشند.

۲۸- زیر نظر داشتن احکام قضایی قضا، تامین کامل هزینه های زندگی آنها برای جلوگیری از ابتلا به رشوه خواری؛ این یک نکته ساختار سازی است که ساختار قضا به گونه ای باشد که اولاً باید بداند که اینها چگونه حکم می کنند، آیا حکمش بر اساس حکمت و شریعت است یا احکام من درآوردی است و یا به نفع رشوه دهندگان است. در ادامه می فرماید هزینه زندگی آنها را تامین کن تا به رشوه خواری مبتلا نشوند. البته بعضی آدم ها سیر هم باشند رشوه خواری می کنند که باید با آنها برخورد کرد؛ اما ساختار قضاوت باید به گونه ای باشد که هم نظارت دقیق و شفافیت دقیق داشته باشد که معلوم بشود این چه حکمی دارد، برای چی این حکم را داده ولو به صورت رندوم. شاید این ممکن نباشد که احکام همه قضا را کنترل کرد ولی معمولاً در سیستم های قضایی سیستم را به گونه ای طراحی می کنند که بشود این نظارت را انجام داد. ولی به گونه ای باشد که قضا سرعاً رشوه نروند، سراغ فساد نروند.

۲۹- بیان معیار در انتخاب فرمانداران بلاد و پرداختن حقوق کافی به آنها و گماردن عیون مامورهای اطلاعاتی بر کارهای آنها. این مورد هم بخش ساختاری است. تنظیم گری گفتیم عبارت است از مقررات گذاری، ساختار سازی و کنترل نظارت. که اولاً چه کسانی با چه ویژگی هایی باید فرمانداران بلاد شما باشند؛ ثانیاً حقوق کافی هم به آنها بدهید که فساد اقتصادی پیدا نکنند؛ ثالثاً عیون، مامورهای اطلاعاتی بر آنها گمارید و آنها بدانند که ماموران اطلاعاتی بر آنها نظارت دارند و لذا عزیزان از منظر امیرالمومنین (ع) مهم ترین ساختار سالم در حکمرانی علوی، نهاد های امنیتی است. ولی وای به روزی که بگردد نمک، اگر نهاد امنیتی آسیب دید، مثل نهاد امنیتی در کارهای اقتصادی برود و فعالیت اقتصادی کند، خب اجازه نمی دهد مجامع دیگری در آن نفوذ کند چون به ضرر خودش است. خطایی که در زمان مرحوم رفسنجانی هم شروع شد، که وزارت خانه، خودش، خودش را تامین کند و آمدند بعضی فعالیت های اقتصادی را در بعضی نهادها انجام دادند. اگر مجموعه امنیتی، فقط یک کار امنیتی نکند، آسیب می بیند. اگر مجموعه امنیتی، مسئله فرهنگی را بخواهد امنیتی حل کند، مسئله قضایی را امنیتی حل کند، این خطا است. مسائل فرهنگی را باید فرهنگی حل کرد؛ مسائل قضایی را باید قضایی حل کرد و مسئله امنیتی را هم باید امنیتی حل کرد. نظارت امنیتی حداکثری است، اما حل هر مسئله ای امنیتی نیست. این کار یک بحث ساختاری است.

۳۰- سامان بخشیدن به وضع خراج و مالیات و توجه به عمران و آبادی، بیش از توجه به جمع آوری خراج. این تحلیل خیلی عجیب است! امیرالمومنین (ع) در بخشی از این نامه می فرماید: "ولا تكونن علیهم سُبُعاً ضارياً" چون قبل از این عبارت دارد "واشعر قلبك رحمة الرعية والمحبة لهم، واللفظ بهم" یعنی رحمت، محبت و لطف نسبت به رعیت داشتند؛ بعد دارد "ولا تكونن علیهم سبعا ضارياً" نسبت به مردم درنده نباش "تغتتم الكهم" خوردنشان را غنیمت شمارید "فانهم صنفان" چون این مردمی که شهروند تو هستند دو گروه اند: "إما أخ لك فی الدین، واما نظیر لك فی الخلق". اصل مهم انسان سازی است. کدام مکتب اومانستی این حرف بلند و عظیم و ارزشمند را دارد. در این نکته، حضرت می فرماید "و تفقد امر الخراج و ما یسر اهله" مسئله خراج و مالیات را با دقت زیر نظر بگیر که "فان فی صلاحه و صلاحهم صلاحه من الثوابا" به گونه ای که

به صلاح خراج دهنگان باشد. از نظر امیرالمومنین (ع) بهبودی و صلاح بحث خراج و بهبودی و صلاح آل خراج گذاران سبب بهبودی حال اقشار دیگر جامعه می شود. یعنی اگر اینها آسیب ببینند، بقیه هم آسیب می بینند. بعد حضرت هم استدلال می کند و می فرماید خراج جز با آبادانی به دست نمی آید و آن کس که بخواهد خراج را بدون عمران و آبادی طلب کند، شهرها را ویران می کند، بندگان خدا را هلاک می سازد و پایه های حکومتش متزلزل می شود به گونه ای که بیش از مدت کمی دوام نخواهد داشت. همه دغدغه اصلی این است مالیات بگیرد آن هم از قشر متوسط به بالا. از قشر گردن کلفت مالیات نگیرد و از قشر متفاوت باید مالیات بگیرد و دنبال آبادانی آنها هم نباشند در نتیجه حکومت آسیب می بیند. حکمرانی علوی این است. حالا این اصل در وزارت اقتصاد داری هست (چه حرفا!). این اصل سامان بخشیدن به وضع خراج یک نوع اصل تسهیل گری است.

۳۱- ویژگی های مربوط به دبیران و مسئولان اسناد و منشیان خاص و تقسیم کار در میان آنها طوری

که دقیق باشد. این مورد هم به شایسته سالاری و هم به ساختار سازی پرداخته است.

۳۲- رسیدگی کامل به وضع تجار و صنعتگران و آنهایی که برای نقل و انتقال یا تولید نیازمندی های

مردم صادفانه خدمت می کنند و نظارت دقیق بر معاملات و نرخ اجناس و مبارزه با احتکار. این

مورد هم ساختار سازی و هم به تسهیل گری اشاره کرده است. انصافا این قوانینی که الان وجود

دارد به نفع واردکننده یا صنعتگران است. گردش ثروت است. یعنی واقعا این یک سیستم نرم

افزازی تدوین کنند که قانون یا سیاستی می خواهد تصویب شود وارد این برنامه شود و براساس

منشور امیرالمومنین (ع) علامت بدهد که مثلا فلان اصل تایید شد و یا فلان اصل همراهی شد.

۳۳- توجه بیشتر به قشر محروم و کم درآمد جامعه و لزوم رسیدگی مدام به آنها و خبر گرفتن از وضع

آنها. که به مردم داری اشاره دارد.

۳۴- لزوم رسیدگی به حال ایتام و کهن سالان. بحث تامین اجتماعی که قبلا صحبت کردیم. این مورد

هم با عدالت و مردم داری ارتباط دارد.

۳۵- تعیین وقت مشخص برای ملاقات عمومی و اجازه دادن برای تماس مستقیم مردم با زمامداران.

این مورد به تسهیل گری و ساختار داری اشاره می کند. مردم باید بتوانند با زمامداران خودشان

- ارتباط بگیرند. اگر مستقیم هم نشود ولو با واسطه های کمتر. اینجا فرمودند ارتباط مستقیم ولی می تواند با افرادی که مسئولیت و اختیارات تامی حاکمان عالی به او دادند نیز ارتباط بگیرد.
- ۳۶- تعیین وقت خاص دیگر برای کارگزاران جهت حل مشکلات خاص آنها. این مورد هم تسهیل گری و ساختار سازی را می رساند. مثلاً رئیس جمهور باید مرتب به وزرا وقت بدهد نه اینکه یک وزیر بگوید من سه ماه چهار ماه رئیس جمهور را ندیدم.
- ۳۷- تنظیم برنامه دقیق برای کارهای مختلف روزها. این هم نظم و انضباط ساختار سازی است.
- ۳۸- اهتمام به اقامه فریض و اهمیت دادن به نماز جمعه، به چگونگی برگزاری آن و تعیین وقت فراغت برای ارتباط با امام های جماعت. این مورد خود سازی است.
- ۳۹- فاصله نگرفتن از مردم برای مدت طولانی. این مورد به مردم داری اشاره دارد.
- ۴۰- چگونگی برخورد با همکاران خاص و صاحبان اسرار کشور. این مورد اصلی است که در مسئله عدالت است.
- ۴۱- رعایت حقوق همه اعم از افراد نزدیک و دور. همان تعامل حق و تکلیف است.
- ۴۲- اعلام عذر موجه در برابر کمبودها، مشکلات و سوء ظن ها. خب عذرخواهی کن اگر نتوانستی همیشه مشکلات و کمبودهایی هست. خطای خودش را توجیه نکند.
- ۴۳- پذیرش دعوت دشمنان به صلح در عین رعایت هشیاری در برابر آنها و احترام به قراردادهایی که با آنها برقرار می شود. این مورد اصل انسان خواهی است. صلح بر جنگ مقدم است لذا امیرالمومنین (ع) هیچ موقع جنگ را شروع نکرد، نه با ناکسین نه با راغبین نه با حاصین با هیچکس جنگ را شروع نکرد و دعوت به صلح میکرد اما باید هشیار بود؛ ممکن است دشمن دعوت به صلح بکند ولی از پشت خنجر بزند. قراردادی هم اگر بستی به آن احترام بگذار اما زرنگ هم باش که آنها قرارداد را خراب نکنند.
- ۴۴- پرهیز شدید از خونریزی غیر مجاز. این مورد هم اصل انسان خواهی است.
- ۴۵- پرهیز از هرگونه عجب و خود بینی و خود پسندی؛ که مربوط به اصل خود سازی است.

۴۶- برحذر بودن از منت گذاشتن بر رعایا؛ هم خودسازی را می‌رساند و هم مردم‌داری. اگر خدمتی کردی وظیفه تو بوده است اصلاً آمدی که خدمت کنی، منت نباید بگذاری. من این کار را کردم من چنین گفتم من چنان کردم.

۴۷- اجتناب از شتاب زدگی و عجله در کارها. بعضی‌ها مثلاً این بعضی‌ها در علوم انسانی اسلامی خیال می‌کنند خوم‌رنگرزی. عجله می‌کنند، شتاب زده هستند. یا مثلاً همین بحث تمدن نوین اسلامی. عزیزان ایران قرن‌ها عقب افتاده‌هی می‌گویند ۴۰ سال از انقلاب گذشته چرا به تمدن نرسیدیم. با عجله و شتاب زده نمی‌توان این امور را انجام داد، البته هر جا پیشرفت و رشد و تکاملی داشتیم بخاطر کارگزاران انقلابی و ولایی بود. لذا در اصل ۴۷ می‌فرماید اجتناب از شتاب زدگی و عجله در کار.

۴۸- پرهیز از رانت خواری و گرفتن حق اختصاصی در مشترک‌ها. این مورد عدالت‌سازی است.

۴۹- توجه به سیره رسول خدا (ص) و انبیای الهی در تمام امور مربوط به زمامداری. این هم دین شناسی اسلامی و معرفت‌شناسی حکمی را می‌رساند.

۵۰- آخرین مورد و سرانجام دعا برای خود و مالک و درخواست رحمت و توحید و سعادت شهادت از پروردگار.

لذا وقتی شما این عهدنامه مالک‌اشتر را می‌بینید، حضرت هم ماموریت مالک را مشخص کرده، هم روش‌های حکومت‌داری و روش‌های اخلاقی و ساختاری را ذکر کرده است. هم ساختار رعایا، اقشار، کارگزاران، حکومت، قضات، تجار، صاحبان صنایع و نظامیان را بیان کرده است. هم اهتمام فوق‌العاده به طبقه محروم داشته است و طبقات محروم را توضیح داده‌اند. هم اشاره و تاکید فراوان به مردم‌داری داشتند، وقت ملاقات بده، چنین و چنان کن. هم اینکه با خردمندان مشورت کن، تک‌رای نباش، گرفتار رانت خواری نشوی. هم تاکید بر صلح هوشیارانه داشتند و پرهیز از هرگونه خونریزی و هم توجه به فرایض دینی.

واقعا یک نامه‌ای با این جامعیت و گستردگی که همه ابعاد را امیرالمومنین (ع) بیان می‌کند، یک منشوری است که در همه امور حکمرانی باید به آن توجه کنیم. پیشنهاد بنده این است اگر از کل

فرمایشات امیرالمومنین (ع) مخصوصاً از نامه ۵۳ بتوانیم آیت‌ها و اصولی را در بیاوریم، مثل همین اصولی که ذکر کردیم یا محققین دیگر کار را تکمیل کنند، و برنامه نرم افزار جامعی داشته باشیم که این اصول را در بر بگیرد. هر شورای سیاست گذاری مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی اقتصاد که کار سیاست گذاری انجام می دهند، و هر کمیسیون مجلس که کار قانون گذاری انجام می دهد، خودش را در این برنامه نشان بدهد که آیا با این شاخص ها هماهنگی دارد یا ندارد. اگر هم خوانی نداشت، تذکر داده شود. اینجا ساختار معیوب است، اینجا رفتار معیوب است، اینجا به نفع نیازمندان نیست. البته ما نمی خواهیم بگوییم تمام آیت‌ها در نامه امیرالمومنین (ع) وجود دارد، منظور کل فرمایشات امیرالمومنین (ع) است. چون وقت ما کم بود فقط در مورد نکته های نامه ۵۳ بحث کردیم. ان شاء الله خداوند به همه ما توفیق بدهد زیست علوی و حکمرانی علوی داشته باشیم و محبت امیرالمومنین (ع) در دل ما و فرزندان ما زنده بماند و بتوانیم راه امیرالمومنین (ع) را طی کنیم.